



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۴/۰۸

خلیل الله ناظم باختری

تحفه های ناظم

(تحفه بیست و ششم)

قامتِ کمان

ناتوانی می شود آخر عیان
بلبل و باغ و چمن و بوستان
میله و دشت و دمان و ارغوان
بالب پُرخنده و طبع جوان
نی تلاش و محنت یک لقمه نان
نی به سودای گناه بیکران
نی به فکر چاره و سود و زیان
نی به فکر نوبهار و نی خزان
غافل از سیر زمین و آسمان
از نشیب و از فراز عمر مان
چشم بکشودم به اینای زمان
از جفای روزگاران شد کمان
بار دوش و احتیاج دیگران

فصل پیری آمد و بار گران
پاد ایام جوانیهای من
عاشق شام و سحر و های و هو
ساقی و جام می و بوس و کنار
نی غم فردا و فکر زندگی
نی به فکر و ذکر روز آخرت
نی به فکر توبه مثل نصوح
نی به فکر گرم و سرد روزگار
غافل از روز و شب و لیل و نهار
لا تعقل بودم و غفلت گزین
دوره پیری رسید و عاقبت
دیدگان من ضعیف و قامتم
بی وطن، آواره و دست دُعا

{ ناظما } جز توبه از تقصیر کو؟

در جهان چشم امید عاصیان

الحاج خلیل الله ناظم "باختری"
همبورگ - ۸ اپریل ۲۰۱۶